

## گزارش

گزارشی از گرانی سالن‌های موسیقی

### هزینه‌های هالیوودی

**آسن خادمی**؛ گرانی سالن‌های موسیقی امروز به مهم‌ترین دغدغه‌هالی موسیقی تبدیل شده‌است.این موضوع آن اندازه اسفناک شده که تهموس پورناظری درباره آن می‌گوید: «امروز اجرای یک کنسرت در لندن بسیار ارزان‌تر از چین‌های کاخ سعدآباد است و اجاره سالن موسیقی در ایران هم‌تراز بهترین و استانداردترین سالن‌های اروپا و امریکاست.»معضل سالن و گرانی آن موجب شده تا عده‌ای معذود که شهرت‌شان سالن‌ها را بر می‌کند، جرات برگزاری کنسرت داشته باشند. بهای اجاره سالن‌ها برای گروه‌های موسیقی بین هفت تا ۱۶ میلیون تومان است.

**کنسرت در لندن ارزان‌تر از تهران است**

تهموس پورناظری آهنگساز و عضو گروه شمس از قیمت بالای بلیت کنسرت در ایران شکایت دارد و ایران را گران ترین کشور دنیا در بخش موسیقی می‌داند که در آن، نرخ سالن‌ها و بلیت‌های موسیقی به هالیوود نزدیک شده است: «اگر کنسرتی بدون اسپانسر در لندن برگزار شود، قیمت بلیت آن بسیار پایین‌تر است. اجرای یک کنسرت در لندن بسیار ارزان‌تر از چمن‌های کاخ سعدآباد است. نرخ بلیت کنسرت در سالن میلاد در سال ۸۹ به صورت میانگین ۲۵ تا ۴۰ هزار تومان است. اگر چنین سالی قیمتش را به اندازه امکاناتش تعیین می‌کرد و هزینه صدا و نور … به آن اضافه نمی‌شد و دربان و پارکینگ هم جداگانه پول نمی‌خواستند، نرخ بلیت این کنسرت ۱۵ هزار تومان می‌شد.»حسام‌الدین سراج هم می‌گوید: سالن‌های کنسرت در تهران بسیار گران هستند. سالن‌ها برای هر صدلی ۱۶ هزار تومان هزینه دریافت می‌کنند اما هزینه‌های دیگری هم وجود دارد. مجموع این هزینه‌ها، اجراهای سالن‌ها را با ضرر و زیان همراه می‌کند. سالن همایش‌های «هرج میلاد» برای هر شب بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان پول مطالبه می‌کند که این موضوع برای هنرمندان بسیار مشکل آفرین است.

**مشارتک، توافق یا هیچ کدام**

دو سالن «اندیشه» با ظرفیت نزدیک به ۷۰۰ نفر و «سوره» با ظرفیت بیش از ۴۰۰ نفر دو تالار دیگر پایتخت هستند که هزینه آنها با وجود اختلاف ۳۰۰ صدلی تفاوتی ندارد و هر دو ۱۰ میلیون تومان دریافت می‌کنند. با این حال وحید لک به‌عنوان مدیر این دو تالار تاکید می‌کند که مبنای دریافت اجاره برای دو سالن اندیشه و سوره مشارکتی است نه براساس اجاره‌بها. او که در طول مصاحبه تاکید داشت اجاره این دو سالن در سطح پایینی قرار دارد و به صورت توافقی صورت می‌گیرد، در نهایت اعلام کرد اجاره این دو سالن حتی با معیار مشارکتی، کمتر از هفت میلیون تومان نیست. با این حال اگر قرار باشد یک گروه شاخص و مطرح در این سالن‌ها برنامه داشته باشد، بهای اجاره سالن‌ها به سقف ۱۰ میلیون تومان هم خواهد رسید.مدیر سالن‌های اندیشه و سوره، دلیل گرانی سالن‌های خود را به هزینه‌های آب، برق، گروه‌های فنی، پارکینگ و کادر سالن مربوط می‌داند. سالن شب میلاد از جمله سالن‌های کنسرت است که هزینه‌های آن برای یک شب اجاره حدود ۱۶ میلیون تومان است.البته محمدرضا لطفی در نشست مطبوعاتی اردیبهشت‌ماه سال جاری این رقم را ۲۰ میلیون تومان عنوان کرد. او گفت: اگر ما هیچ اجراهی در سالن میلاد نداشته باشیم و مخاطبان بدون شنیدن موسیقی وارد سالن شوند، برای هر صدلی باید ۲۵ هزار تومان هزینه پرداخت شود که این خود بسیار اسفناز است.لطفی همان روز گفت: اگر قرار باشد در کشور فعالیت‌های هنری از جمله موسیقی به‌صورت جدی دنبال شود باید شهرداری سالن در اختیار دارد به هنرمندان تخفیف دهد پس اعتراض من به شهرداری است چرا که اگر همان سالن به برنامه‌های دولتی واگذار شود، تا ۷۵ درصد به آنها تخفیف داده می‌شود. اما امیرعلی بشارتی (مدیر سالن برق میلاد) بار د گفته‌های محمدرضا لطفی می‌گوید: هزینه یک شب اجرای صحنه‌ای ۱۶ میلیون تومان است که علاوه بر هزینه سالن، هزینه صوت و نورپردازی نیز در آن لحاظ شده است. البته برای دو ساعت اجرا در یک شب این رقم به ۲۲ میلیون تومان می‌رسد.مدیر سالن برج میلاد همچنین درباره گرانی این سالن می‌گوید: هزینه‌های نگهداری سالن میلاد بسیار بالاست که طوری که هزینه متبوعاً ۲۰۰ میلیون تومان است که شامل هزینه برق صنعتی(روزانه یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان)، هزینه تأسیسات مکانیکی و الکترونیکی(ماهانه ۴۰ میلیون تومان) هزینه پرسنل و کادر فنی، هزینه تعمیرات دوره‌ای و … است. امیرعلی بشارتی با رد برخی از اخبار مبنی بر نظر دو سالن میلاد برای همایش‌های دولتی باره اظهار خاصی در این می‌گیرد، می‌گوید: این سالن وابسته به شهرداری است و حتی به برنامه‌های این سازمان نیز تخفیف داده نمی‌شود. نفوذ مراسم دولتی‌تر از جشن هسته‌ای در زیر وجود ندارد اما رقم اجاره سالن ما برای همایش‌ها برای هر چهار ساعت ۱۲ میلیون و همایش‌های بالای چهار ساعت ۱۶ میلیون تومان است. به‌اعتقاد بشارتی، باید بخش خصوصی به‌صورت کنسرسیوم دور هم جمع شده و اقدام به ساخت دولتی آن کنسرت کند تا از این طریق قیمت سالن‌های سالن را تحت‌الشعاع خود قرار دهند.

**تالاری خاص برای خواص یا دولتی‌ها**

اجاره تالار وحدت که استانداردترین سالن برای برگزاری کنسرت است، روزانه ۱۵ میلیون است که به‌گفته مدیران این تالار، این اجاره در مقایسه با سالن‌های دیگر که بیشتر سالن همایش محسوب می‌شوند، بسیار ناچیز است.صداقت‌قول می‌گوید:تالار وحدت‌بدلیل حضور چهره‌های شاخص و درجه یک هنری، از شأن خاصی برخوردار است و تنها سالن استاندارد موسیقی کشور محسوب می‌شود.البته هر شخصی هم‌قادر به پرداخت هزینه‌های این تالار نیست و هر کسی هم از نظر شأن هنری نمی‌تواند در آن کنسرت دهد. به گزارش انظار موسوی با تاکید بر این موضوع که بنیاد رودکی یک بخش خصوصی است، خاطرنشان می‌کند: این بنیاد باید هزینه‌های پرسنل، مسائل فنی و کادر اداری خود را از طریق اجاره تالار وحدت و مجموعه آزادی تامین کند.به‌گفته او، هزینه تالار وحدت از طریق مشارکت در بلیت‌فروشی تامین می‌شود به این معنا که تالار ۳۰ درصد هزینه هر بلیت را برای خود برداشته و مابقی را به گروه‌اجراکننده برنامه اختصاص می‌دهد.مدیر تالار وحدت معتقداست:اگر تعداد سالن‌های کنسرت زیاد نشود، باید شاهد افزایش قیمت بلیت‌های کنسرت بیش از آنچه هست، باشیم. در همین راستا یا باید دولت برای اجرای صحنه‌ای گروه‌های موسیقی یارانه بپردازد یا تعداد سالن‌های کنسرت افزایش داده شود.سالن ایرکه ایرانیان که به‌تازگی به جمع سالن‌های کنسرت پیوسته است، نزدیک به هزار نفر ظرفیت دارد. این سالن برای هر اجرا به‌صورت میانگین در هشت، شصت میلیون تومان و عصر، ۱۲ میلیون در وقت قرار می‌کند.

## گفت‌وگو با حسین حمیدی مولف و پژوهشگر موسیقی به بهانه انتشار آلبوم «کولی»

# هنر سفارش‌پذیر نیست

## امیر بهاری

**گفت‌وگو با حسین حمیدی می‌تواند عجیب‌ترین مصاحبه‌ای باشد که یک روزنامه‌نگار انجام می‌دهد. جدا از آلبوم تالیفی «هشت بهشت» که گردآوری موسیقی هشت سال‌های مختلف ایرانی است و گنجینه‌ای ارزشمند برای موسیقی ایران محسوب می‌شود در اغلب آثار او نگاه متفاوتی وجود دارد. آخرین اثر حسین حمیدی چندی پیش با عنوان «کولی» توسط نشر «آواخورشید» منتشر شد. اثری خاص که به سراغ ملودی‌های آشنای ایرانی و موسیقی منطقه‌های مختلف هم‌مرز با ایران رفته است اما نگاه کولی‌وار و متفاوتی به این قطعات دارد و چند بداهه‌نوازی بالابان دارد که انصافاً حسین حمیدی نوابی دل‌انگیزی از این ساز در آستانه فراموشی ارائه کرده است. این آلبوم بهانه گفت‌وگو می‌باشد. به برگزگر انتشار**

**بیش از ۲۰ اثر این‌گونه‌ای که حاصل بیش از سه دهه تحقیق و نوآزندگی در حال و هوای موسیقی ایرانی است، متأسفانه حسین حمیدی چندان شناخته شده نیست. این مساله کار مصاحبه را سخت می‌کرد چون شما با هنرمندی مواجهید که چندان دوست ندارد سوال‌های از پیش تعیین شده‌شما را پاسخ بدهد (و با استدلال‌های عجیبی تاگزیر گفت‌وگو به جهت دیگری رفت) و همین مساله باعث شد ما پیش از شروع مصاحبه به‌طور مفصل بحث کنیم و در نهایت مصاحبه از اینجا آغاز شد.**

**---**

**در- این سال‌ها شما کمتر در مورد آثار منتشرشده‌تان حرف زده‌اید؛ آلبوم‌هایی که تجربه‌های خاصی هستند، با توجه به بحث‌هایی که قبل از آغاز مصاحبه پیش آمد، فکر کنم بهتر است با این سوال شروع کنیم که به‌طور کلی نظر شما در مورد جایگاه هنر و اثر هنری در مفهوم حقیقی آن چیست؟**
حرفی که می‌خواهم بزنم حرف تازه‌ای نیست؛ با آثار به ظاهر هنری که موفق نیستند طسی زمان از بین خواهند رفت. کارهایی که ارائه آنها ضرورتی نداشته است. زایش یک اثر هنری مثل زایش نطفه‌ای است که در بطنی باید پرورش پیدا کند. کنشی باعث می‌شود که من واکنش نشان دهم. یعنی ایده‌ای در من شکل می‌گیرد و زمان می‌برد تا پرورش پیدا کند. کارهایی که موفق نیستند توسط زمان کنار گذاشته می‌شوند چون زمان مهم‌ترین معیار برای هنر است. زمان شوخی ندارد. بی‌رودریاستی، شبه‌هنرها را کنار می‌گذارد. این مساله به دلیل تعجیل در ارائه اثر و تقدم داشتن پدیده شهرت به جای هنر برای شخص صاحب اثر اتفاق می‌افتد. کسانی به نام هنرمند تصور می‌کنند می‌توانند بدون اندیشه نیاز دورنی داشته باشند شعر بگویند. اما کسی مانند «تیمما پویش» هیچ کدام از اشعارش را بدون ضرورت خلق نکرده است. گروهی دور هم جمع می‌شوند تا یک صفحه درست کنند (منظور همان سی‌دی است) انگار یک اثر برایشان مهم نیست و فقط می‌خواهند در کمتر از دو ماه آن را عرضه کنند. بدون اینکه انگیزه درونی را در نظر گرفته باشند. ممکن است صفحه‌هایی در بازار موسیقی تیزراز خیلی بالایی داشته باشند ولی یک مرتبه سقوط می‌کنند. در مقابل، آثاری داریم که با ارتفاع کمی در طول زمان به فروش می‌رسند. مثال نامه‌نیم. خودتان فکر کنید و مثال پیدا کنید. کارهایی که فروش کمی دارند ولی طی ۱۰ سال همچنان به فروش می‌رسند. هیچ گاه یک مرتبه تیزراز صد هزارتایی ندارند. چیزی که در ایران فراموش شده خود هنر است. بعضی از موسیقیدانان ما فقط به تکنیک نوآزندگی فکر می‌کنند؛ با سرعت و مثل فرقه نواختن. به سبقت بگیرند و مساله اینجاست که این مسابقه اصلاً یابانی ندارد. چیزی یک ایراد بزرگ مطرح است. ایرادی که من به بعضی از نوآزندگان

چیزده‌ست این کشور وارد می‌دانم و زیر این «من» چند تا خط می‌کشم. بیشتر نوآزندگان ما اهل کتاب خواندن نیستند، آنها فقط می‌نوآزند. در جامعه امروز اگر دید زیبایی‌شناسی و ادراک عمیقی از فلسفه هنر نداشته باشیم، نمی‌توانیم به مقام مولف برسیم. هنرمند واقعی کسی است که زندگی‌اش را در راه خلق اثر هنری می‌بازد. هنر به راحتی به وجود نمی‌آید. شاید این حرف به اساتید دانشگاه بر بخورد ولی باید به این حقیقت تلخ پی برد که اتفاقاً کسانی که مدرک هنری می‌گیرند خیلی اهل «خلق کردن» نیستند. طرف تا مدرک دکتری مجسمه‌سازی می‌پیش می‌رود اما نمی‌تواند مجسمه بسازد. من دوستانی دارم که تحصیلات عالی در هنر دارند ولی اهل نواختن، رسم کردن و نواختن نیستند. اما کسی را که عاشق نقاشی است، هر کجا بگذاری، فقط نقاشی می‌کند. هر چقدر هم که به او بگویی نکش باز او نقاشی می‌کشد. دهن طرف

را می‌گیری، می‌گویی آواز نخوان ولی می‌خواند! من این نظریه غربی را قبول ندارم که هنر همه‌گیر می‌شود و به‌طور گسترده همه می‌توانند هنرمند شوند. این امر غلط است. آنها می‌توانند درست به کارهای هنری بزنند مثلاً می‌توانند پیانیتش شوند ولی موسیقیدان نفا مولف شدن به این سادگی‌ها نیست. مولف خلاق است، تفکر می‌کند، دید زیبایی‌شناسی دارد …

**–امروزه با مدرن شدن دنیای نرم‌افزارها و سیستم‌افزارها، عکاسی و حتی فیلمسازی و آهنگسازی هم با امکانات خیلی ساده دیجیتالی،**



## در جامعه امروز اگر دید زیبایی‌شناسی و ادراک عمیقی از فلسفه هنر نداشته باشیم، نمی‌توانیم به مقام مولف برسیم. هنرمند واقعی کسی است که زندگی‌اش را در راه خلق اثر هنری می‌بازد. هنر به راحتی به وجود نمی‌آید. شاید این حرف به اساتید دانشگاه بر بخورد ولی باید به این حقیقت تلخ پی برد که اتفاقاً کسانی که مدرک هنری می‌گیرند خیلی اهل «خلق کردن» نیستند. طرف تا مدرک دکتری مجسمه‌سازی هم پیش می‌رود اما نمی‌تواند مجسمه بسازد!

نشد، زمان او را کشف خواهد کرد. ما بین موسیقیدانان ایران یکسری «طراح» داریم. من باب مثال دید زیبایی‌شناسی زنده‌یاد «مرتضی حنانه» یا دید زیبایی‌شناسی آقای «محمدرضا لطفی» یا دید زیباشناسی «حسین علیزاده» با یاد دید زیبایی‌شناسی زنده‌یاد «پرویز مشکاتیان» متفاوت است. اینها «موسیقیدانان مولف» هستند. برخی از آثارشان مطرح می‌شود و شاید برخی از آنها بعداً مورد توجه قرار گیرد. صد سال دیگر آثاری که در همین زمان حیات ما نادیده گرفته شده است، مطرح خواهد شد. «مارتین هایبگر» (فیلسوف آلمانی) در مقاله «شاعر به چه کار

می‌آید»، می‌گوید: هنرمند اصیل از آینده به زمان حال می‌آید. صد سال دیگر کدام آثار هنری باقی می‌مانند؟ و کدام یک دارای ارزش هنری می‌شود؟ هر خاصیتی دارد که از زمان و مکان عبور می‌کند. من به کنسرت‌های زیادی رفته‌ام. یک نوازنده مشهور روی سن می‌آید ولی با سازش دروغ می‌گوید! این اصوات با من حرف می‌زنند و اثبات می‌کنند که این شخص نوازنده مطلبی برای گفتن دارد یا نه. وقتی حرفی برای گفتن نباشد، تو مجبوری دروغ بگویی. مشهوری، سزات را به دست گرفته‌ای و فخر می‌فروشی. اما هستند کسانی که از حد نوازنده بی‌دون فراتر رفته و به مقام موسیقیدان می‌رسند. چند ضراب که می‌نوازد، روی شما تاثیر عمیقی می‌گذارد. شاید اینجا بتوانم جواب سوال شما را بدهم که این مقوله‌ها ربطی به هم ندارند. شما از کمیت حرف می‌زنید! اما بحث من کیفیت است و با کمیت کاری ندارم.

**–در مورد هنرمند مولف صحبت کردید. در هنر امروز ایران، ما معضل هنرمند مولف را داریم. یعنی هنرمندی که ویژگی‌های یک مولف را داشته باشد، نظر در ایران بسیار کم است. دلیل این‌ معضل به نظر شما چیست؟**

بله، ما هنرمند مولف در ایران کم داریم. شخصی مانند «سهراب شهیدتنام» در هنر سینما نمونه شایسته یک مولف است. با در میان شاعران کسانی مانند «احمد شاملو» و «مهدی اخوان ثالث» یا «بیژن نجدی» … و مولف هستند. اما اینکه چرا امروزه در ایران، هنرمندان با آن جایگاه مولف بودن کمتر می‌رسند، تنها می‌توان گفت که به یک نکته مهم اشاره کرد؛ همه در ایران می‌خواهند در مسابقه هنر! اول شنوند. آنها با سرعت و مثل فرقه نواختن. به سبقت بگیرند و مساله اینجاست که این مسابقه اصلاً یابانی ندارد. چیزی یک ایراد بزرگ مطرح است. ایرادی که من به بعضی از نوآزندگان

چیزده‌ست این کشور وارد می‌دانم و زیر این «من» چند تا خط می‌کشم. بیشتر نوآزندگان ما اهل کتاب خواندن نیستند، آنها فقط می‌نوآزند. در جامعه امروز اگر دید زیبایی‌شناسی و ادراک عمیقی از فلسفه هنر نداشته باشیم، نمی‌توانیم به مقام مولف برسیم. هنرمند واقعی کسی است که زندگی‌اش را در راه خلق اثر هنری می‌بازد. هنر به راحتی به وجود نمی‌آید. شاید این حرف به اساتید دانشگاه بر بخورد ولی باید به این حقیقت تلخ پی برد که اتفاقاً کسانی که مدرک هنری می‌گیرند خیلی اهل «خلق کردن» نیستند. طرف تا مدرک دکتری مجسمه‌سازی می‌پیش می‌رود اما نمی‌تواند مجسمه بسازد. من دوستانی دارم که تحصیلات عالی در هنر دارند ولی اهل نواختن، رسم کردن و نواختن نیستند. اما کسی را که عاشق نقاشی است، هر کجا بگذاری، فقط نقاشی می‌کند. هر چقدر هم که به او بگویی نکش باز او نقاشی می‌کشد. دهن طرف

را می‌گیری، می‌گویی آواز نخوان ولی می‌خواند! من این نظریه غربی را قبول ندارم که هنر همه‌گیر می‌شود و به‌طور گسترده همه می‌توانند هنرمند شوند. این امر غلط است. آنها می‌توانند درست به کارهای هنری بزنند مثلاً می‌توانند پیانیتش شوند ولی موسیقیدان نفا مولف شدن به این سادگی‌ها نیست. مولف خلاق است، تفکر می‌کند، دید زیبایی‌شناسی دارد …

**–امروزه با مدرن شدن دنیای نرم‌افزارها و سیستم‌افزارها، عکاسی و حتی فیلمسازی و آهنگسازی هم با امکانات خیلی ساده دیجیتالی،**



میسرس شده است و این فرضیه را به وجود آورده که همه می‌توانند هنرمند باشند. شما با این موضوع به‌طور کلی مخالف هستید؟

بله. هنر سخت است. هنر تصادفی به وجود نمی‌آید. درست است که من روی موسیقی محلی ایران کار کرده‌ام، اما با نگاهی مدرن با این نوع موسیقی برخورد کرده‌ام چراکه این موسیقی شکلی ساده ولی بدوی و قدیمی دارد. درست مثل مجسمه‌ها و کوزه‌هایی که در موزه‌ها وجود دارند. از طرفی شما با یک اثر قدیمی مواجه هستید، و از طرف دیگر این اشکال را ببیناسید و درک کنید! اشکالی که قابل رسم کردن نیستند. مساله مهم دیگر در موسیقی محلی ایران، رمز تکراری بودن جمله‌های موسیقایی آنهاست. با وجود تکرار زیاد خسته نمی‌شوید. دیدگاه من در هنر، کف دستی یا به قول فرنگی‌ها مینیه‌الیست! است (گریده‌گویی). زمان حاضر اجازه نمی‌دهد مخاطبان ما ۳۳ گوشه ردیف شور را با دقت گوش کنند. موسیقیدان اصیل، ردیف سنگین موسیقی ایران را حفظ کرده و سپس آن را هضم می‌کند، و تا آن را هضم نکند، نمی‌تواند اثری هنری ارائه دهد. برای حفظ کردن و هضم کردن باید تنها ماند. باید به میهمان نرفت، به کافی‌شاپ نرفت! از زمان خود و وقت خود درست استفاده کرد. اصلاً تنها بودن کار سختی است. هنرمند نیاز به تنهایی دارد. جمله معروف «بلز پاسکال» که می‌گوید: «تنها مصیبت بشری ریشه در این شر دارد که نمی‌تواند در اتاقتن تنها بماند!» در نهایت اینکه من با همه‌گیر شدن هنر به شدت مخالفم.

**–به نکته جالبی اشاره کردید. اینکه موسیقی محلی در دل خود یک موسیقی مینیه‌مال است. سنت تکرار و توفی‌ها در موسیقی شرقی و به خصوص در موسیقی محلی ما کاملاً مشهود است و مدرنیست‌هایی مثل «استیو رایش» و «فیلیپ گلس» به تنهایی نیاز دارد و اینکه البته با همه گیرشدن هنر به‌شدت هم در چند دهه گذشته به شدت به مساله تکرار اصرار داشتند. تقابل عجیبی است. آثار شخصی شما که بر اساس موسیقی محلی ساخته شده نگاه مدرنی در این خود دارد. درباره رابطه این هنر بدوی با جریانی که در موسیقی امروز جهان وجود دارد کمی توضیح دهید و اینکه خود شما**

**–شما از محققان موسیقی محلی ایران هستید. کارگردان این فیلم در اثرش این‌ دایعه را دارد که پدیده‌های مغفول مانده‌ای کشف کرده. اما فکر می‌کنم موسیقی محلی داریم که کسی از آنها خبر ندارد. ما در روستاها و شهرستان‌های دورافتاده، اساتید موسیقی محلی داریم که کسی از آنها خبر ندارد. شما در روستاها چیزی بی‌دلیل وجود ندارد. شما در این خصوص در موسیقی محلی ما کاملاً مشهود است و مدرنیست‌هایی مثل «استیو رایش» و «فیلیپ گلس» به تنهایی نیاز دارد و اینکه البته با همه گیرشدن هنر به‌شدت هم در چند دهه گذشته به شدت به مساله تکرار اصرار داشتند. تقابل عجیبی است. آثار شخصی شما که بر اساس موسیقی محلی ساخته شده نگاه مدرنی در این خود دارد. درباره رابطه این هنر بدوی با جریانی که در موسیقی امروز جهان وجود دارد کمی توضیح دهید و اینکه خود شما**

اتفاقاً موسیقی محلی در ایران وضع بهتری دارد و سالم‌تر است چراکه نه‌تنها در ایران، بلکه در همه جای دنیا موسیقی محلی کاربرد دارد. کسی به فلان روستا نمی‌رود تا برای اجرای هنرمندی بلیت بخرند. فامه‌ای لله نوازان (نی‌نوازان) پشت‌بام‌های گیلان، از سوماموس گرفته تا دورفک، چویان هستند. لایالی برای خواباندن بچه است. سرنا و دهل برای رقص و یکپوبی و تنبور برای مجلس انس و خلوت است. همه در هنر در مفهوم حقیقی آن پرداخته‌ام. دچار بیماری مسری‌ای نشده‌ام. هرگز در روستاها چیزی بی‌دلیل وجود ندارد. شما از من خواستید در مورد چهره‌های موسیقی محلی صحبت کنم. دوست عزیز فیلساز ما پیانند و نوآزندگان «شمشال» را در اطراف فریبان و اورامانات پیدا کنند. چرا استاد «احمد محسن‌پور» بدعت‌گذار موسیقی مازندران را نمی‌بینیم که هنوز در تلاش است؟ چرا در موسیقی قشقایی، استاد «فروید گرگین‌پور» را نمی‌بینیم؟ چرا استاد «احمدعلی شرفی» را در پوششهر که یکی از بی‌نظیرترین نوآزندگان نی‌انبان است نمی‌بینیم؟ چرا در قزاقستان و زایل نوآزندگان خیلی کم «چیچک» را نمی‌بینیم؟ ما جوانان دوتار نواز تربت جام را نمی‌بینیم … آنها قهرمان نیستند و به خارج فرار نمی‌کنند. آنها در روستای خودشان ساز می‌زنند. همین.

**–و به عنوان آخرین حرف.**

در اینجا می‌گویم حسین حمیدی زنده است و وصیت می‌کند که پس از مرگ جلوی تالار وحدت جمع نشوند و مرده‌پرستی نکنند. من زنده هستم و اعلام می‌کنم که در زمان پرزحمت و قابل تامل منتشر کرده‌ام. و چون در تمام زندگی‌ام، به هنر در مفهوم حقیقی آن پرداخته‌ام، دچار بیماری مسری‌ای نشده‌ام. به نام ضعف ریال. یک مثل آذربایجانی وجود دارد که می‌گوید: «به جای اینکه سنگ سردم را بیوسی، سر گرمم را بیوس.» من با این مرده‌پرستی که در مورد هنرمندان وجود دارد مخالفم. من با هنرمندان زمین داده‌اند ولی در بهشت زهر! من زنده هستم! شماره حسابم هم این است: ۱۶۵۹۰۰۲۹۲۸۵ بانک ملت به اسم حسنعلی حمیدی‌ایران.

دوشنبه ۷ تیر ۱۳۸۹

## خبر

### جزئیات کنسرت کیهان کلهر در تهران

**موسیقی ما:** کلهر درباره اینکه چطور بعد از هفت سال تصمیم به برگزاری کنسرت در ایران گرفته، گفت: «الان دوست دارم در ایران کار کنم. حس می‌کنم مشکلات فرهنگی در جامعه موج می‌زند و باید کار فرهنگی کرد.» او درباره

جزئیات کنسرتش در تهران اعلام کرد: «در تهران به مدت شش شب کنسرت خواهیم داشت که از روز ۲۳ تیرماه آغاز می‌شود. این کنسرت‌ها در تالار وحدت برگزار می‌شود و تمام قطعات را ساخته‌های جدید خودم هستند که روی اشعاری از مولانا اجرا می‌شوند.» رپرتاژ بر نامه به دو بخش تقسیم شده که بخش اول آن به تکنوازی خود کلهر اختصاص دارد و بخش دیگر کار گروهی است که در دستگاه نوا اجرا می‌شود. کیهان کلهر که از آخرین کنسرتش در ایران به همراه گروه اساتید موسیقی ایران بیش از شش سال می‌گذرد، درباره برگزاری این کنسرت در شهرستان‌ها گفت: «بالفاصله بعداز کنسرت تهران در شیراز، تبریز، اصفهان و کرمان هم روی صحنه می‌رویم. سپس در همدان، کرمانشاه، رشت و اراک این کنسرت‌ها را ادامه می‌دهیم. البته دوست دارم در استان‌های دیگر هم این برنامه را اجرا کنیم که احتمالاً به بعد از ماه رمضان موکول می‌شود.» خوانندگی این کنسرت‌ها را حمیدرضا نوربخش بر عهده دارد که پیش از این هم همراه کلهر در سالن‌هایی چون «هالیوودباول» و «والث دسنی» در امریکا کنسرت داده بود. اعضای گروه کلهر که در این کنسرت‌ها و او همراهی می‌کنند عبارتند از علی بهرامی (سنتور)، سیامک جهنگیری (نی)، روزبه رحیمی (سنتور)، هسادی آذربیرا (تار)، مجید سنستانی (تنبک) و علی توکلی (رباب). کیهان کلهر یکی از اعضای اصلی گروه «جاده ابریشم» است که به همراه یویوما که لقب بهترین ویولن‌نواز جهان را دارد در کشورهای مختلف کنسرت داده است. او در چند ماهه گذشته چهار شب هرماز ار کنسرت فیلامونیک اتلانتا کنسرت داشت و بعد از آن ۱۲ شب با حسین علیزاده و حمیدرضا نوربخش و یک گروه جوان

به اجرای قطعات پرداخت. سپس به مدت ۹ شب همراه با حسین علیزاده و علی خلج در اروپا کنسرت داد. کلهر از فعال ترین و شناخته‌شده‌ترین آهنگسازان و نوآزندگان ایرانی خارج از مرزهای ایران است که حاصل همکاری‌هایش با افراد گروه‌های نظیر یویوما، شجاعت حسین‌خان، ارداد ارزنجان، بروکلین رایبر و … است.

### همکاری شهرام ناظری با ارکستر سمفونیک اوکراین

**مهر:** شهرام ناظری در ادامه اجرای پروژه فردوسی، قطعه‌ای از ساخته‌های کیوان ساکت را بر اساس اشعار شاهنامه و با همکاری ارکسترسمفونیک اوکراین اجرا می‌کند.کیوان ساکت نوازنده تار با اعلام این خبر در توضیح جزئیات این پروژه گفت: «برخی از تالیلهای اشعار فردوسی مانند «هبرد رستم و سهراب»، «ورود تهمنینه به خوابگاه رستم»، «خبر مرگ سهراب به تهمنینه»، «سور سیاوش از آتش» و همچنین «مشورت یککولوس با درباریان درباره سیاوش» را انتخاب و بر اساس ساختار موسیقی ایرانی تنظیم و آهنگساز کردم و قرار است با دکلمه و آواز شهرام ناظری توسط ارکسترسمفونیک اوکراین اجرا و ضبط شود.» این آهنگساز در ادامه افزود: «هر گذشته‌فعالیتی‌هایی بر اشعار فردوسی صورت گرفته که اغلب رنگ و بوی یک اثر ایرانی نداشتند، اما این پروژه بر اساس دستگامهای موسیقی ایرانی، ریتها و آوازهای زورخانه‌ای نوشته شده است و فکر می‌کنم یکی از بالارزش‌ترین آثاری است که در زمینه اشعار فردوسی انجام شده است. در این پروژه از سازهایی چون سرنا، دهل، طبل زورخانه‌ای و سازهای بادی و کوبه‌ای استفاده شده و بخلاف همیشه ساز تار در طراحی پروژه فردوسی وجود ندارد.»



### کنسرت گروه حمید متبسم در هلند

**خبر آنلاین:** حمید متبسم نوازنده تار و گروه دستان ساز، از عضو موسیقی سنتی ایرانی تشکیل داده و با این گروه در هلند روی سن می‌رود. قرار است گروه پردیس به رهبری متبسم روز ۲۷ ژوئن در شهر هرلن در

هلند ساخته‌های جدید او با نام «در ستایش صبح» را تمرین کنند. بخش ایرانی گروه پردیس را شاردان متبسم تشکیل می‌دهد و بیمان ضابط‌پور به عنوان نوازنده مهمان در این گروه حضور دارد. کنسرت پیشین گروه پردیس ۲۴ آوریل امسال در هرلن هلند برگزار و با استقبال هلندی‌ها روبه‌رو شد. همچنین گروه توپراک به سرپرستی کمال پلدیریم روز ۱۸ سپتامبر در خانه جوانان استرابورک در آلمان روی صحنه می‌رود. این گروه متشکل از کمال پلدیریم (خواننده و نوازنده بندیر)، احسان اکچینار (خواننده و نوازنده باقلاما) و بیمان ناصرپور (دایره آذری) است و در این کنسرت موسیقی محلی ترکی استانبولی، کردی و زازایی اجرا خواهد شد.ناصرپور در چند برنامه همراه گروه توپراک بوده است.

**«سیاه‌قلم» یا نوازندگی مانی فرضی منتشر شد**
آلبوم موسیقی سیاه‌قلم که دنوازی ویولن محسوب می‌شود، با نوآزندی مانی فرضی و همکاری موسسه فرهنگی گلچین آوای شرق منتشر شد. در این اثر موسیقی مانی فرضی نوآزندگی ویولن را برعهده داشته و دو بار به صورت جداگانه در استودیو قطعات را اجرا کرده است. قطعات آلبوم موسیقی سیاه‌قلم در دستگاه‌های شور، آواز ابوظه، آواز دشنی، بیات ترک، آواز دشنی، سه‌گاه و دستگاه هامیون اجرا شده است. انتخاب فرم قطعات به گونه‌ای بوده که ضمن حفظ یکپارچگی، هر یک از آثار مطابق با حال و هوای موسیقی ایرانی بوده و در عین حال کل مجموعه از تنوع کافی برخوردار است. استفاده از یک ملودی اصلی همراه یک ملودی همراهی کننده (آکومپانیمان) و همچنین استفاده هم‌زمان از دو ملودی مستقل، با ارزش و اهمیت یکسان در بافت آثار مشهود است.